

بررسی موانع محیطی در تربیت دینی فرزندان

اکرم حبیبی خاوه^۱

چکیده

تربیت دینی به عنوان یکی از ابعاد تربیت، از آغاز اسلام دچار موانعی برای دستیابی به مبانی دینی بوده است. از جمله این موانع، موانع محیطی است که ناپهنجاری خانواده، مدرسه، دوستان، اجتماع و محیط طبیعی را شامل می‌شود. فرد در تعامل با محیط، رشد می‌کند و دچار گرایش‌های متفاوت با دین و یا متعارض با آن می‌شود. پژوهش حاضر با توجه به اهمیت عنصر محیط برای متصدیان امر تربیت، به جهت عملکرد موفق در انجام برنامه‌ها، به بررسی موانع محیطی در تربیت دینی فرزندان می‌پردازد و بیانگر این مطلب است که محیط نامناسب، سبب انحراف از مسیر درست تربیت می‌شود. بنابراین، با کاوش در این مسئله، در جهت برطرف نمودن موانع و کاستن آسیب‌های محیط بر تربیت دینی گام برمی‌دارد. روش کار این مقاله، کتابخانه‌ای-اسنادی و به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع مورد نیاز تربیتی است.

واژگان کلیدی: تربیت دینی، مانع، محیط.

۱. دانش پژوه سطح ۳ جامعه الزهراء (ع) گرایش تعلیم و تربیت اسلامی.

مقدمه

تربیت، از آغاز خلقت انسان به عنوان مسئله‌ای اصلی مطرح بوده است و از بنیادی‌ترین نیازهای بشر محسوب می‌شود که در همه امور جاری زندگی تأثیر اساسی دارد. یکی از مباحث مهم مطرح شده در این حوزه، تربیت دینی است. تربیت دینی، افراد را به بالاترین مقامات انسانی نائل می‌نماید و تربیت غیردینی، سبب سقوط انسان (باقری، ۸۵، ص ۱۷) و مانع از رسیدن به قرب الهی می‌شود. انسان‌ها در جوامع صنعتی کنونی، از لحاظ مسائل تربیتی دچار مشکل هستند که بسیاری از این مشکلات براساس روش‌های تربیتی نادرست و غیردینی ایجاد می‌شود (باقری، ۸۵، ص ۱۰). از آنجا که دین، تمام ابعاد وجودی انسان را به خوبی تربیت می‌کند؛ تربیت دینی «آن جنبه از تربیت است که کودکان و نوجوانان را با وظایف و شرایع دینی آشنا می‌کند، مبانی اعتقادی را در آنان رشد می‌دهد، آنان را پایبند به اصول و عامل به فروع بار می‌آورد و فطرت الهی و انسانی را بارور می‌سازد» (احمدی، بی‌تا، ص ۲۸). آیات و روایات، وراثت و محیط را دو عامل مهم در تربیت انسان بیان می‌کند (مطیعی طالقانی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۷). وراثت حاکی از صفاتی است که توسط ژن موجود در کروموزوم، از پدر و مادر به انسان منتقل می‌شود و شخصیت انسان را می‌سازد (برک، ۱۳۹۱، ص ۷۳). با گذر از تأثیر مهم وراثت، انسان در زندگی تجربیاتی کسب می‌کند که محصول تأثیر متقابل میان فرد و محیط است (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص ۸۰). «براساس تحقیقی که انجام شده است، بیش از هشتاد درصد ناسازگاری‌ها به علت وجود محیط نامساعد است» (قائمی، ۱۳۷۴، ص ۹۱) که با کمی تحقیق در جامعه و به خصوص در مراکز اصلاح تربیت و زندان‌ها، با توجه به کم شدن سن مجرمین و نیز نوع جرایم صورت گرفته (به عنوان نمونه: اعتیاد، کلاهبرداری، قتل، خشونت و...) و به طور کلی بسیاری از مسائل اخلاقی و اجتماعی، می‌توان دریافت که تأثیر محیط بر تربیت، امری غیرقابل انکار است. در مورد موانع محیطی در تربیت دینی فرزندان، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است و تنها در کتاب آسیب‌شناسی تربیت دینی (موانع و راهکارها) به طور مختصر، کلی و گذرا و تنها به صورت معرفی، به این موضوع اشاره شده است که محیط می‌تواند مانع از تربیت دینی صحیح شود. هدف از نگارش، بررسی موانع محیطی است تا در خودسازی، اقدام‌های تربیتی توسط خود فرد و یا مربیان او صورت پذیرد و با شناخت این موانع، تأثیرات آن بر افراد کاسته شود، یا از میان رود تا برای جلوگیری از سقوط و تحقق کمال، از آن بهره بُرد.

از این رو، تا موانع و آسیب‌های تربیت شناسایی نشود، هرگونه تلاش برای تربیت، رشد و شکوفایی استعداد‌های انسان، بی‌نتیجه خواهد بود. سؤال اصلی مقاله این است که تربیت دینی انسان با چه موانع محیطی مواجه است؟

ابعاد تربیت دینی

بزرگ‌ترین هدف بعثت پیامبران، تربیت انسان است تا در مسیر کمال خود قرار گیرد. تربیت دینی که یکی از ابعاد تربیت است در سیره معصومین علیهم‌السلام دارای منشوری چندضلعی است که اضلاع آن تربیت اخلاقی، اعتقادی و عبادی است (داوودی، حسینی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۲۱۱). به طور قطع، بدون شناخت این ابعاد نمی‌توان به تربیت کامل دست یافت و در صورتی که فرد به آنها تسلط داشته باشد، عمل برایش التزام‌آور می‌شود. این ابعاد عبارتند از:

۱. تربیت اخلاقی

اخلاق، حالتی نفسانی است که بدون نیاز به تفکر، انسان را به سمت انجام کار دعوت می‌کند (مسکویه، ۱۳۷۵، ص ۵۷). امروزه با توجه به نیاز بشر و گسترش علوم، دانشمندان اخلاق را در حیطه‌های متنوعی از جمله اخلاق کاربردی که کاربردی است، بررسی کرده‌اند (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۲۸). فرد برای دستیابی به اخلاق کامل، به تربیت اخلاقی برای آشنایی با اصول و ارزش‌های اخلاقی جهت کاربردی کردن آنها نیاز دارد. در سیره معصومان علیهم‌السلام نیز تمام فضایل و رفتارهای اخلاقی، بخشی از دستوره‌های دینی است (داوودی، حسینی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۲۱۶). به این اعتبار، اخلاق کاربردی - که در موارد زیر تبیین می‌شود - در تربیت دینی اهمیت می‌یابد.

۱-۱ اخلاق جنسی

اخلاق جنسی به حکم قدرت فوق‌العاده‌ی غریزه، همواره مهم‌ترین بخش‌های اخلاق به شمار می‌رفته است (مطهری، اخلاق جنسی، ۱۳۸۹، ص ۲۲). در تربیت جنسی، اسلام توصیه‌هایی (از قبیل حفظ عفت) فرموده است. غرض از تربیت جنسی، تعدیل و جهت‌دهی است، نه پروردن (موسوی،

۱۳۸۷، ص ۱۴) و یا سرکوب کردن. تربیت دینی سبب استفاده صحیح از غریزه جنسی می‌شود و انسان وقتی از پس نیروی شهوت خود برآید، می‌تواند به کنترل رفتارهای خود بپردازد.

۲-۱۱- اخلاق علمی

تربیت علمی یعنی دستیابی به آگاهی منظم و قاعده‌مند که بدون در نظر گرفتن فضایل و رذایل اخلاقی، گاه موجب حجاب بر قلب انسان می‌شود. یکی از اهداف تربیت علمی، فراگیری «معرفت گزاره‌ای» شامل مسائل، قوانین و نظریه‌های خاص مربوط به علم و رشته‌های علمی است؛ به این معنا که برخی امور واقعی‌اند. با این حال، معرفت گزاره‌ای، تنها شناختی نیست که باید در تربیت علمی کسب شود (مارتین، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱)؛ بلکه در تربیت علمی باید طبق موازین دینی وارد مسائل و قوانین شد تا بتوان قوانین کلی را با دین تطبیق داد و عملکرد معینی داشت.

۳-۱۱- اخلاق سیاسی

تربیت سیاسی، فرآیندی است که در آن افراد به وسیله اخلاق اسلامی و اصول دینی، زمینه را برای رسیدن به مدینه فاضله مهیا می‌کنند. هدف از اخلاق سیاسی، آشنا ساختن افراد با کمالات انسانی است و در این فرآیند، فرد می‌آموزد که ابتدا محیط را بشناسد و سپس براساس آموزه‌های دین، آن را تجزیه و تحلیل کند و موضع دین‌مدارانه داشته باشد (ملکی، ۱۳۸۹، ص ۱۹).

۴-۱۱- اخلاق اقتصادی

افراد در شرایط دشوار اقتصادی، در مقابل آموزه‌های دینی - از جمله نگهداری خود در مقابل مال دیگران - قرار می‌گیرند. فقر یکی از عوامل ایجاد انحرافات، از جمله دزدی است (نعمت‌اللهی، ۱۳۷۹، ص ۱۹). تربیت دینی سبب می‌شود افراد در موقعیت‌های مختلف، به کنترل خود و مبارزه با مفاسد و سالم‌سازی اخلاقی در اقتصاد خود بپردازند و برای چاره‌جویی، به سرقت، کلاهبرداری و زیر پا گذاشتن قوانین و اخلاق روی نیاورند (محمدی، ۱۳۷۸، ص ۴۷).

۵-۱۱ اخلاق اجتماعی

اخلاق اجتماعی یعنی اینکه فرد در برابر مردم، اهل معاشرت باشد. در واقع زندگی اجتماعی دارای ماهیت اجتماعی است؛ از طرفی نیازها، بهره‌ها و کارها، ماهیت اجتماعی دارد و جز با تقسیم آنها در داخل یک سلسله سنن میسر نیست، از طرف دیگر نوعی از اندیشه‌ها، ایده‌ها و خلق و خوی‌ها بر عموم حکومت می‌کند که به آنها وحدت می‌بخشد (مطهری، جامعه و تاریخ، ۱۳۸۹، ص ۱۸). در تربیت دینی، افراد باید متحدانه و براساس صفات پسندیده اخلاقی و دوری از صفات ناپسند، با یکدیگر برخورد داشته باشند و نظم را رعایت کنند.

۲. تربیت اعتقادی

اعتقادات ریشه اصلی تفکر را دربر می‌گیرند و انسان براساس آنها تصمیم‌گیری و عمل می‌کند. آموزه‌های دینی و ترویج و تقویت آنها، تعالی معنوی انسان را تضمین می‌نماید (عبدالوهاب کریمی، ۱۳۸۹، ص ۷۶). تربیت اعتقادی به عنوان بُعدی از تربیت دینی، اعمال درونی و بیرونی انسان را جهت‌دهی و کنترل می‌کند؛ به طوری که سبب می‌شود فرد در موقعیت‌های مختلف، براساس تعالیم دینی گام بردارد.

۳. تربیت عبادی

با توجه به نقش احکام عبادی در رفتارهای فردی و اجتماعی، تربیت عبادی سازنده ساختار فکری افراد است. طبیعت و قوانین تحوّل، به گونه‌ای است که در مواجهه با بحران‌ها در حد ظرفیت انسان را به تحرک و تعالی رهنمود می‌کند (عبدالعظیم کریمی، ۱۳۸۸، ص ۸۰). در تربیت دینی اگر تحرک همسو با احکام عبادی باشد، موجب پیشگیری از وقوع انحراف در اعمال می‌شود و انسان را به کمال می‌رساند.

موانع محیطی تربیت دینی

انسان به دلیل غریزه بی‌نهایت طلبی، برای رسیدن به مقصود خود، راه‌های متنوعی را در برابر خویش می‌بیند که اگر به درستی تربیت نشده باشد، راه نادرست را ترجیح می‌دهد. امروزه موانع

بسیاری بر سر راه تربیت نسل حاضر وجود دارد که سبب انحراف انسان از مسیر تربیت صحیح می‌شود. بنابراین، باید با رفع این موانع زمینه مناسب برای تربیت فراهم شود. یکی از موانع تربیتی، موانع محیطی است که به آن پرداخته می‌شود:

۱. خانواده غیردینی

خانواده - مخصوصاً پدر و مادر - بیشترین تأثیر را در تربیت فرد دارند. آنان در صورتی که از اعتدال تربیتی در گفتار و رفتار دور شوند و دچار تناقض باشند، نقش بازدارندگی خواهند داشت و راه تربیت را مسدود می‌کنند. در مکتب تربیتی اسلام، به نقش تربیتی خانواده در دوره‌های زندگی توجه ویژه‌ای شده است و بزرگان دینی تأکید فراوانی بر این عنصر داشته‌اند. قرآن کریم نیز به خانواده و مسئولیت آن در تربیت اشاره می‌کند و می‌فرماید: «یا ایها الذین امنوا قوا انفسکم و اهیلکم نارا» (تحریم: ۶) که این نشانگر اهمیت محیط خانواده است. خانواده مهم‌ترین بخش هر جامعه است که والدین در آن از طریق الگوها، معیارها و پاداش‌ها و تنبیه‌ها، بیشترین نقش را در شکل‌گیری ابعاد شخصیتی یک انسان ایفا می‌کنند. اگر مادر به خاطر شغل و درآمد و یا مدرک تحصیلی، حق مادری خدادادی را از فرزندش دریغ کند و بدتر از آن، پدر به جای ایجاد آرامش، عصبانیت ناشی از خستگی کار را به خانه بیاورد، تربیت فرزند به مخاطره می‌افتد (هاشمی محبوب، ۱۳۹۰، ص ۱۸۱۵). خانواده به همان اندازه که نقش مؤثر در تربیت دینی دارد، در صورت عدم شایستگی دینی، بازدارنده این امر خواهد بود. عملکرد منفی خانواده در تربیت دینی را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد:

۱-۱- دوران قبل از تولد

رفتارهای والدین قبل از انعقاد نطفه، در تربیت دینی تأثیرگذار است. این موضوع توسط بزرگان دینی نیز مطرح شده است. شاید برای به وجود آمدن ذریه‌ای پاک بود که پیامبر ﷺ قبل از انعقاد نطفه فاطمه زهرا علیها السلام مقدماتی - از جمله روزه‌داری به مدت چهل روز - را انجام دادند. تغذیه مادر در ایام بارداری، در اخلاق و هوش کودک تأثیر می‌گذارد؛ زیرا اعصاب و مغز کودک از غذای مادر شکل می‌گیرد. اسلام نیز تصریح کرده که غذای مادر در پرورش اخلاقی کودک مؤثر است (امینی، ۱۳۷۵، ص ۳۹). بنابراین، محیط رشد جنین - که در آن مادر به طور مستقیم و پدر به صورت غیرمستقیم مؤثر

هستند- (مطیعی طالقانی، ۱۳۹۲، ص ۲۲۴) نیاز به توجه و مراقبت دارد و در صورت عدم توجه به رعایت شئون اسلامی و آلودگی رفتارهای والدین به مسائلی از قبیل زنا، غیبت، تهمت، استفاده از مال حرام و غیره، تربیت دینی کودک در خطر قرار می‌گیرد و باعث انحراف از مسیر صحیح تربیت می‌شود.

۱.۲- دوران بعد از تولد

خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی که فرد در آن قرار می‌گیرد و به آن محیط اعتماد می‌کند، نقش بی‌بدیل در تربیت به طور کلی و در تربیت دینی به طور خاص دارد. نوع عکس‌ها و پوسترهایی که بر دیوار خانه نصب می‌شود و نوع برنامه‌های صوتی و تصویری و نیز کتاب‌ها و مجلاتی که وارد خانواده می‌شود، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر تربیت دینی کودک تأثیر می‌گذارد و نگرش او را به دین شکل می‌دهد. رفتارهایی که در خانواده انجام می‌شود، بر تربیت دینی کودک تأثیر می‌گذارد. نوع سخنان و گفتگوهایی که در خانواده میان والدین و دیگر اعضا مطرح می‌شود، لحن سخن گفتن، استفاده از الفاظ احترام‌آمیز یا زشت و رکیک، بر تربیت دینی کودک تأثیر می‌گذارد. انتظارهای والدین و خانواده از تربیت کودک، اینکه فرزندشان متدین تربیت شود یا خیر و یا چه اندازه به آموزه‌های دینی پایبند باشد نیز در شکل‌گیری شخصیت دینی کودک تأثیر بسزایی دارد. میزان کنترل والدین بر رفتار کودکان و راهنمایی مناسب آنان در امور دینی، نقش مهمی در تربیت دینی آنان دارد. همچنین نوع روابط خانوادگی تأثیر زیادی در تربیت دینی فرزندان دارد، ارتباط خانواده با خانواده‌هایی که پایبندی چندانی به دین ندارند، تأثیر منفی بر تربیت فرزندان خواهد داشت (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳، ۱۰۴). در موارد بیان شده، در صورت کج‌روی والدین به علت وابستگی و الگوگیری فرزندان از آنان، منجر به انحراف دینی فرزند می‌شود. در عصر حاضر توجه به موقعیت اجتماعی فرزند در بین افراد و اینکه نیازهای اقتصادی آنان را برطرف شود، بر تربیت صحیح برتری یافته و در این صورت عوامل به ظاهر کمک‌کننده تربیت، خطر انحراف را زیاد کرده است. از آنجا که محیط اثر مستقیمی در شکل‌گیری تربیتی فرد دارد، رشد کودک در خانواده متدین اهمیت می‌یابد (صادق‌زاده قمصری، حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۲). بنابراین اگر خانواده این اصل مهم، یعنی تربیت دینی را به طور مناسب ایفا نکند، آموزش دینی بدون پرورش آن، افکار و عقاید فرزندان را به مخاطره می‌اندازد. فرزند در خانواده تجربه کسب می‌کند و با استفاده از این تجربیات می‌تواند

به سوی کمال، صعود یا نزول کند و اگر خانواده به جایگاه خود بی توجه باشد و موازین دینی را رعایت نکند، نمی تواند عملکرد تربیت دینی خود را به خوبی ایفا کند. شتابزدگی و در نظر نگرفتن ظرفیت های فرزند، نتیجه معکوس دربر خواهد داشت. رسالت سنگین و اساسی خانواده ها در ارتباط با فرزندان، پرورده ساختن عقل و رشد خرد آنان است. در این باره خانواده باید پس از راهنمایی و ارشاد برخی از موارد لازم و ضروری، تصمیم گیری را به خود کودکان واگذار نمایند. پس پدران و مادران باید در حد معمول و متعارف، به راهنمایی و ارشاد فرزندان خود بپردازند، ولی به تدریج بکوشند این راهنمایی و ارشاد، توسط فکر کردن خود کودکان انجام گیرد. آنان باید به تدریج فرزندان خود را با اصول اخلاقی و انسانی آشنایی دهند؛ همان طور که پیامبر بزرگوار، هدف نهایی از بعثت خود را اتمام مکارم الاخلاق اعلام می دارد (رشیدیپور، ۱۳۷۳، ص ۳۵، ۳۰، ۲۹).

در خانواده سخت گیر، تحمیل و تلقین نظرات پدر و مادر بر فرزند، باعث درک نادرست فرزند در امور می شود و زمانی که او به رشد عقلی می رسد، خود را آماده می بیند که با این افکار تحمیلی به مقابله بپردازد. خانواده های سهل گیر نیز بی تفاوت به شکل گیری رفتار دینی در فرزندشان، سبب بروز نابسامانی در رفتار او می شوند. هنگامی که والدین تصمیم می گیرند طرز غذا خوردن، لباس پوشیدن، شستشو و امور مانند اینها را به کودک بیاموزند، کودک زمانی این گونه امور را فرا می گیرد که آماده برای فهم و انجام آنها باشد (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص ۱۹۴). در تربیت دینی نیز همین طور است؛ اگر پدر و مادر به طور تحمیلی و در صورت آماده نبودن فرزند، به تربیت وی بپردازند، او دچار شک در آرا و عقایدش می شود و در صدد مقاومت و ایستادگی در برابر ارزش ها برمی آید و سهل گیری نیز سبب عدم پذیرش و بروز رفتار دینی می شود که این خود مانع از تربیت درست است؛ لذا رفتار و برخورد والدین با فرزندان و نیز عدم ثبات رفتار دینی آنان مانع از این مهم می شود. در تربیت دینی، والدین ابتدا باید ذهن و موقعیت فرزند خود را آماده سازند و در پرتو محبت و صداقت، افکار و عقاید فرزند را جهت دهی کنند و بعد به آموزش احکام و سایر امور دینی بپردازند.

۲. مدرسه ناکارآمد

یکی از شرایط اساسی تربیت، مدارس و مراکز رسمی تعلیم و تربیت است. مدرسه عامل مهم در پرورش و تربیت انسان است. اکثر والدین در دوران کودکی که فرزندان شان نیاز به آموزش و

کسب مهارت دارند، قسمتی از این امر مهم را به مدارس واگذار می‌کنند تا شاهد پیشرفت علمی و تربیتی فرزندشان باشند. برای دستیابی به این مهم می‌بایست تربیت این محیط و محیط خانواده همسو باشد؛ چراکه «تربیت انسان، شرایط، لوازم و مقتضیاتی دارد که چنانچه جمع شود، تربیت نتیجه‌ای قابل قبول خواهد داشت» (اصغری، ۱۳۸۹، ص ۸۰). در مدرسه الگوهایی مانند معلمان و مدیران وجود دارد که به طور مستقیم و غیرمستقیم در تربیت دانش‌آموزان تأثیر دارند، در صورتی که مدرسه عملکرد نابسامانی در تربیت دینی داشته باشد و یا بی‌توجه به آن، اقدام به تربیت افراد کند، می‌تواند به عنوان مانعی جدی برای تربیت دینی قلمداد شود؛ بنابراین بر تمام مسئولان امر تربیت لازم است که شرایط و لوازم تربیت صحیح را فراهم آورند و با دیدی خاص و مناسب، به نقش دین در تربیت توجه داشته باشند.

۲،۱- ساختار مدارس

از آنجا که از مدرسه به عنوان خانه دوم یاد می‌شود؛ ویژگی‌های خاص این محیط بر تربیت دینی و ساختار شخصیتی فرد تأثیرگذار است. در گذشته که اکثر مدارس در کنار مساجد یا زیارتگاه‌های بزرگ ایجاد شده بودند، حضور در مدرسه، هر آن افراد را به یاد مسائل مذهبی می‌انداخت، اما امروزه ساختار فیزیکی مدارس این‌گونه نیست (بهشتیان، رحیمی محمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۹). ساختار مدارس در عصر حاضر، شیوه و مدلی کاملاً متفاوت از قدیم دارد و به ساخت‌های غربی و مقابل فرهنگ کشور نزدیک‌تر است، که این خود نوعی مانع از تربیت دینی محسوب می‌شود. نحوه چینش و آرایش کلاس‌ها و راهروها و حیاط و وسایل مورد استفاده در مدرسه، نوعی از اندیشه را به فرد القا می‌کند. اگر این موارد با فرهنگ و تربیت دینی افراد همسو نباشد و یا ضد فرهنگ و تربیت دینی باشد، دانش‌آموزان به سمت گرایش‌های آن فرهنگ خواهند رفت. نوع معمول آرایش کلاس درس، این اندیشه را به دانش‌آموزان القا می‌کند که وظیفه آنان در مقابل معلم، تنها اطاعت بی‌چون و چراست. تأثیر ساختار ظاهری مدرسه به همین محدود نمی‌شود، با این وجود می‌تواند بر تربیت دینی دانش‌آموزان تأثیر منفی بگذارد (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵) و مانعی بر سر راه آن باشد و افراد را به فرهنگ‌ها و ارزش‌های ضد دین متمایل سازد.

۲،۲- معلم و مربی

یکی از شرایط اساسی در امر تربیت، وجود معلمی شایسته است که توان تربیت دانش‌آموزان را داشته باشد. تأثیر ویژگی‌های شخصی و فردی معلم بر دانش‌آموزان، می‌تواند رفتار، نگرش، ارزش یا باور خاصی را در آنان ایجاد و تقویت کند و او را نزد دانش‌آموزان، محبوب یا منفور کند (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶). نوع صحبت کردن و بیان ارتباط، پوشش، حرکات و برخورد و در مجموع اخلاق فردی و اجتماعی معلم، می‌تواند یک دانش‌آموز را به درجات والای انسانی برساند. اهمیت وجود معلم و نقش آن بر تربیت، تا حدی است که امام خمینی رحمته‌الله علیه در این رابطه می‌فرماید:

معلم امانت‌داری است که غیر همه امانت‌ها، انسان امانت اوست. امانت‌های دیگر را اگر کسی خیانت به آن بکند خلاف کرده است، لیکن یک قالی را که به او امانت داده بودند از بین برده است؛ در جامعه یک چیزی [مشکلی] درست نمی‌شود، یک شخصی ضرری کرده است و این هم باید ضرر او را جبران کند. اما امانت اگر انسان شد، اگر یک طفل قابل تربیت شد، اگر خدای نخواستند این امانت به آن خیانت شد، یک وقت می‌بینید خیانت به یک ملت است، خیانت به یک جامعه است، خیانت به اسلام است. بنابراین، شغلی در عین حال بسیار شریف است و بسیار بزرگ است، چنانچه مسئولیت انبیا هم بسیار بزرگ بود (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۹۸).

در بیان حضرت امام رحمته‌الله علیه، وجود معلم صالح در تربیت دینی، انسان‌سازی می‌کند؛ از این رو اگر متولیان و متصدیان امر تربیت دینی در انتخاب معلم شایسته و صالح بی‌دقتی عمیق داشته باشند و مسیر را برای انسان‌سازی بسته نگه دارند، مانعی عظیم را جلوی امر تربیت دینی قرار داده‌اند که تأثیر مخربی برجای خواهد گذاشت.

روش تدریس معلم در کلاس، در امر تربیت دینی مؤثر است. روش تدریس معلم محور و مبتنی بر کتاب درسی، باعث انسداد روحیه تحقیق و نشاط و عاملی برای دین‌گریزی در آموزش دین خواهد بود (بهشتیان، رحیمی محمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۴). در تدریس دین، توجه به این اصل که اعتقادات و اخلاقیات فرد را به همراه خواهد داشت و این مطلب که دانش‌آموزان نباید تنها به حفظ مطالب و گذراندن این واحد درسی بسنده کنند، از ضروریات است. یکی دیگر از اشتباهات در حوزه روش تدریس، رواج شبه‌تربیت به جای تربیت است؛ «در تربیت آنچه مهم است، افناع استدلالی و روحی

دانش‌آموزان است، اما در شبه‌تربیت، دستگاه تعلیم و تربیت سعی می‌کند به جای استدلال و اقتناع علمی، از عادت دادن دانش‌آموزان و تلقین نمودن مطالب و یا در آخر اگر از دو شیوه فوق حاصل نشد، از شیوه تحمیل استفاده نماید» (بهشتیان، رحیمی محمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۲). در این نوع تربیت دانش‌آموزان هیچ‌گونه تحرک و تجربه‌ای از خود ندارند و منفعلانه به مسائل دینی می‌پردازند. در چنین حالتی این امکان وجود دارد که نوع تربیت اتخاذی سبب شود فرد در دوران بعد از تحصیل، آموزه‌های خود را به فراموشی بسپارد و یا در مقابل آنان مقاومت کند. این مسئله از آنجا که برخی متولیان امر تربیت نسبت به آن بی‌توجه و یا بی‌خبرند، مانعی برای تربیت دینی به حساب می‌آید. شیوه تربیتی معلمان نیز، در تربیت دانش‌آموزان سبب گرایش یا عدم گرایش آنان به دین می‌شود. در آموزه‌های دینی، به این مسئله توجه شده است و از آن به عنوان یک اصل مهم یاد شده است. خداوند در قرآن کریم از شیوه‌های متنوع و متعددی برای تربیت افراد با توجه به تفاوت‌های فردی و شخصیتی هرکدام که نوعی از تربیت را می‌پذیرند استفاده کرده است. توجه به این مسئله یکی از بنیادی‌ترین ضوابط و قاعده‌های تربیتی است، اما امروزه عموم شیوه‌های تربیتی در مدارس، به دنیای مادی دانش‌آموزان می‌پردازد (بهشتیان، رحیمی محمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۲، ۴۱) که این سبب غفلت از امور معنوی و دینی و توقف امر تربیت می‌شود.

در دنیای معاصر که تکنولوژی حتی وارد جنبی‌ترین امور زندگی بشر شده است، استفاده از آن توسط معلمان، دانش‌آموزان را در مسائل دینی فعال می‌کند و باعث نوآوری و خلاقیت آنان در این زمینه و علاقه‌مندی بیشتر به امور دینی می‌شود. در این راستا ضروری است به سازگاری مناسب با فرهنگ افراد توجه کرد. تکنولوژی تأثیر فراوانی بر زندگی اجتماعی و فردی دارد و چنانچه انسان، سازمان تجهیزاتی را که در اختیار دارد نشناسد، تصمیم‌های خلاقانه نمی‌گیرد (ناصر، ۱۳۸۰، ص ۳۶). در محیط مملو از تکنولوژی روز، هنوز مدارس به این مهم مجهز نشده‌اند و یا در صورت تجهیز، با عدم استفاده مناسب از این تجهیزات و توجه نکردن به باورهای دینی و فرهنگ جامعه، مانع از تربیت مناسب در امور دینی می‌شوند.

۲،۳- کتاب‌های درسی

آنچه که معلم و شاگرد بر روی آن تمرکز دارند، محتوای کتاب‌های درسی است. معلم طبق

برنامه‌ریزی اعلام شده از سوی وزارت آموزش و پرورش و محتوایی که به دست ایشان می‌رسد، به تربیت علمی و اخلاقی افراد می‌پردازد. دانش‌آموزان نیز هرآنچه که معلم به آنان آموزش می‌دهد را با باوری بی‌نهایت، قبول می‌کنند. نوع برخورد برنامه‌دینی با دین، تأثیرهایی متفاوت بر تربیت دینی دانش‌آموزان دارد؛ برای مثال، بدون در نظر داشتن آموزش‌های دینی در برنامه‌دینی، این تصور به دانش‌آموزان القا می‌شود که دین و آموزه‌های آن، حتی به اندازه حرفه‌ای مانند نجاری ارزش ندارد (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴). محتوای آموزشی در مدارس عصر حاضر بیشتر توجه و تأکید بر جنبه‌های علمی و حرفه‌ای دارند و کمتر به دین و اخلاقیات می‌پردازند. حتی کتاب‌های دینی، در تفهیم و باور عقاید و آموزه‌های دینی به دانش‌آموزان ناتوانند. «اکثر کتاب‌های دینی، از ضعف محتوا و ضعف تألیف و ساختار برخوردار هستند و این کتاب‌ها با فناوری جدید آموزشی بیگانه‌اند» (بهشتیان، رحیمی محمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۷). این مطلب از آن جهت که دانش‌آموزان تأثیر زیادی در موضوع فرهنگ و دین، از مدرسه و محیط آن می‌گیرند، اهمیت به توجه در بازنگری محتوایی را دو چندان می‌کند؛ چرا که دانش‌آموزان نیمی از وقت خود را در مدرسه می‌گذرانند و والدین نیز در اثر کوتاهی، برخی از وظایف خود را به مدرسه و متولیان آن واگذار می‌کنند.

۳. دوستان و همسالان ناشایست

انسان در سنین مختلف (از کودکی تا به هنگام مرگ) در مراحل گوناگون، با گروه دوستان و همسالان خود در ارتباط است و از آنان به طور مستقیم و غیرمستقیم الگوگیری می‌کند. ارتباط با همسالان، تعاملی بین دو یا چند نفر به قصد رسیدن به هدف مشترک است (لیزینا، ۱۳۷۵، ص ۲۰۹۲۰۸). انسان همواره به دلیل شرایط مشابه سنی، تحصیلی، فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و... احساس درک یکسان با دوستان خود دارد. آنان گاه به علت مشکلات مشابه، تا عشق ورزیدن پیش می‌روند و با یکدیگر انس می‌گیرند (سعیدیان، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵) و این رابطه دوستانه تا جایی پیش می‌رود که فرد به طور ناآگاهانه و عدم تجزیه و تحلیل مناسب عقلی و عاطفی، صرفاً تحت تأثیر آنان قرار می‌گیرد و آرا و عقایدشان را می‌پذیرد و گاه در این رابطه زبان‌های جبران‌ناپذیری به دین، اخلاق، اموال و خانواده او وارد می‌شود (بابازاده، ۱۳۷۴، ص ۱۳۴). بر این اساس، در صورتی که در انتخاب دوست توجه نشود، گروه دوستان و همسالان از طریق الگو دادن، تقویت یا تنبیه

رفتارهای فرد و یا ارزش‌یابی فعالیت‌های فرد، رفتار و نگرش فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹) و با تحمیل عقاید و یا همراه کردن فرد در افکار نابه‌جا سبب انحطاط او می‌شوند؛ بنابراین، نقش دوستان و همسالان در تربیت دینی و شکل‌گیری رفتارهای فرد به حدی است که می‌تواند انسان را به سمت کمال پیش ببرد و یا در جهت مخالف کمال به عقب براند.

۴. اجتماع غیردینی

محیط اجتماع، در عصر حاضر که شاهد تهاجم فرهنگی از سوی فرهنگ‌های بیگانه با دین است، یکی از موانع تربیت دینی به‌شمار می‌آید. انسان موجودی اجتماعی است، در جمع و جامعه رشد می‌کند، از عوامل اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و خود نیز بر اجتماع و دگرگونی‌های بشر اثر می‌گذارد (قائمی امیری، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴). شرایط و عوامل انسانی و غیرانسانی در جامعه، سبب بروز رفتارهای متفاوت از انسان می‌شود و تربیت او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر جامعه دینی و مذهبی باشد، تربیت امری دست‌یافتنی است و در غیر این صورت، شرایط جامعه غیردینی مانعی برای دستیابی به تربیت به‌شمار می‌آید (اصغری، ۱۳۸۹، ص ۸۵). افراد در اثر عدم فراگیری و عدم عقیده‌سازی آموزه‌های دینی، در تعارض با دین قرار می‌گیرند. در این رابطه نقش عواملی مانند وسایل ارتباط جمعی، فرهنگ و ایدئولوژی حاکم بر جامعه نیز دخیل است.

۴-۱- وسایل ارتباط جمعی

اگر رسانه‌های گروهی مطابق با فرهنگ دینی و کنترل شده نباشد، زمینه برای تباه شدن جامعه و فساد افراد مهیا می‌شود. رسانه‌ها در جوار نهادهای دیگری که طرز تفکر جامعه را می‌سازند، نقش عمده‌ای در تربیت ایفا می‌کنند. ادعا می‌شود تفکر افراد، ناشی از دنباله‌روی افکار عمومی تبلیغ شده از سوی رسانه‌هاست (اعزازی، ۱۳۷۳، ص ۳۱). انسان در دهکده جهانی، به وسیله رسانه‌ها و مطبوعات، با فرهنگ و آداب و رسوم‌های مختلف آشنا می‌شود و از این طریق با شبهات زیادی روبه‌رو می‌شود. در مورد مطبوعات، رادیو یا تلویزیون، فنون نوین انتشار-تنها به این دلیل که این وسایل توده وسیعی را می‌پوشانند- به پیام‌های فرهنگی نوعی سودمندی می‌بخشد (کازنو، ۱۳۸۷، ص ۲۴۰) که این سودمندی می‌تواند باعث شود فرهنگ و دین از سوی این رسانه‌ها مورد اختناق

قرار گیرد؛ بنابراین عدم کنترل و نظارت بر رسانه‌های گروهی، سبب ایجاد نوعی گرایش منفی نسبت به دین در افراد جامعه می‌شود و نوعی فرهنگ همسو با فرهنگ ضد دین‌داری را به وجود می‌آورد.

۴،۲- فرهنگ و ایدئولوژی

از جمله موانع اجتماعی بر سر راه تربیت، فرهنگ و ایدئولوژی غیردینی و باطل حاکم بر جامعه است. فرهنگ، ارزش‌ها، باورها، آداب و رسوم زندگی را دربر می‌گیرد و در صورتی که به صورت غیراسلامی در جامعه رواج یابد، سبب نابهنجاری و انحطاط افراد می‌شود. ایدئولوژی در واقع به مفهوم نوعی اندیشه فلسفی، از نظر لغوی به معنای افکار است که بر اساس افکار، اراده و افعال ما سامان می‌گیرد و در واقع معیاری است برای اهداف و ارزش‌هایی که به موجب آنها زندگی شخصی ما شکل می‌گیرد (ناصر، ۱۳۸۰، ص ۲۵). بنابراین آنچه گفته شد، اگر فرد در فضایی باشد که ایدئولوژی آن فضا مناسب با دین نباشد و یا با نوعی فرهنگ متضاد با افکارش روبه‌رو شود، در مواجهه با این تضادها، افکار فرد جهت‌دهی می‌شود و تربیت دینی او را با مشکل مواجه می‌کند.

۵. محیط طبیعی

افراد در محیط‌های مختلف جغرافیایی تأثیرهای متفاوتی می‌گیرند و محیط در تربیت آنان دخیل است. محیط طبیعی در پیدایش برخی صفات اخلاقی مانند غفلت از یاد خدا و حالات جسمانی مانند سعادت و مرض، مؤثر است (داوودی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۰). ابن خلدون نیز به تأثیر محیط طبیعی در انسان اشاره می‌کند و می‌گوید:

شادی بی اندازه در سیاه‌پوستان، آنان را شیفته رقص کرده است. دانش حکمت، علت این امر را انتشار روح حیوانی، به علت اینکه حرارت، هوا و بخار را متخلخل می‌سازد و بر کمیت آن می‌افزاید بیان می‌کند (ابن خلدون، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۵۷).

بنابراین، محیط طبیعی می‌تواند نقش مثبت یا منفی در تربیت داشته باشد.

نتیجه‌گیری

افراد، فرهنگ و آداب زندگی را از محیط دریافت می‌کنند. تحقیق حاضر با تمرکز بر رکن محیط، به نقش بازدارندگی آن در تربیت دینی پرداخته است و نشان می‌دهد که خانواده و مدرسه می‌توانند در صورت عدم شایستگی و پابندی به اصول ارزشی دین و نیز دوستان و اجتماع، در صورت ناکارآمدی و وجود گرایش‌های نامطلوب، در باور افراد نفوذ کرده و مانع تربیت دینی شوند. همچنین محیط طبیعی می‌تواند با پیدایش صفاتی، مانع دریافت یا تثبیت آموزه‌های دینی شود. اصلاح آسیب‌های موجود در محیط، برای رسیدن به مدینه فاضله در اسلام سفارش شده است. این مسئله توسط نظریه پردازان غربی نیز تصریح شده است. توجه به محیط، توجه به ارزش‌های انسانی است. در راستای تربیت دینی و علل و موانع آن، نباید از عوامل دیگر مؤثر در تربیت غافل شد؛ چراکه عوامل دیگری نیز وجود دارد که سبب گرایش به دین و یا عدم گرایش خواهند شد. برای نمونه، بسیاری از بزرگان دین در محیط همسو با دین‌داری رشد نیافته‌اند، اما به سبب تلاش‌های خود و دیگران و عواملی مانند وراثت، به مقامات والا دست یافته‌اند. با این وجود، تلاش این بزرگواران در زمینه اصلاح محیط پیرامون خود، بیانگر این مطلب است که محیط دارای اهمیت خاصی است.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه‌ای ابن خلدون، ترجمه: محمد پروین گنابادی، چاپ نهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
۳. احمدی، احمد، «مفهوم تربیت دینی و راه‌های وصول به آن»، خلاصه مقالات تربیت دینی کودکان و نوجوانان، بی‌جا، دفتر مشاوره و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، معاونت پرورشی، بی‌تا.
۴. اصغری، محمد جواد، «موانع تربیت دینی از دیدگاه قرآن»، راه تربیت (ویژه تربیت قرآنی)، شماره ۱۳، سال ۵، ۱۳۸۹.
۵. اعزازی، شهلا، خانواده و تلویزیون، چاپ اول، بی‌جا: نشر مرنديز، ۱۳۷۳.
۶. امینی، ابراهیم، آیین تربیت، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
۷. بابازاده، علی اکبر، آیین دوستی در اسلام، چاپ اول، بی‌جا: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۴.
۸. باقری، مهین، «نقش معلم در تربیت دینی کودکان به ویژه دختران»، حسن محمدی، سطح ۲، جامعه الزهراء (ع)، قم، ۱۳۸۵.
۹. برک، لورا ای، روانشناسی رشد (از لجاج تا کودکی)، ترجمه: یحیی سید محمدی، ج اول، چاپ ۲۱، تهران: ارسباران، ۱۳۹۱.
۱۰. بهشتیان، اکرم، رحیمی محمدی، زهره، آسیب‌شناسی تربیت دینی (موانع و راهکارها)، چاپ اول، قم: ظفر، ۱۳۸۷.
۱۱. خمینی، روح‌الله، آیین انقلاب اسلامی (گزیده‌ای از اندیشه و آراء امام خمینی (ره))، چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷.
۱۲. داوودی، محمد، علی حسینی‌زاده، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۱۳. داوودی، محمد، نقش معلم در تربیت دینی، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
۱۴. رشید پور، مجید، آموزش خانواده (آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی)، چاپ سوم، تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳.
۱۵. سعیدیان، فهیمه، «جوانان و تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن»، راه تربیت (ویژه تربیت اجتماعی، سیاسی)، شماره ۱۲، سال ۵، ۱۳۸۹.
۱۶. شریعتمداری، علی، روانشناسی تربیتی، چاپ ۱۹، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵.
۱۷. صادق‌زاده قمصری، علیرضا، حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، آسیب‌شناسی تربیت دینی، چاپ اول، تهران: تربیت اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۸. شریفی، احمدحسین، آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، چاپ یکصد و ده، قم: معارف، ۱۳۹۲.
۱۹. قائمی، علی، تربیت و بازسازی کودکان، چاپ ۹، بی‌جا: انتشارات امیری، ۱۳۷۴.
۲۰. قائمی امیری، علی، خانواده و فضا سازی دینی، چاپ اول، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۹.
۲۱. کازنو، ژان، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه: باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، چاپ دهم، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۷.

۲۲. کریمی، عبدالعظیم، راهبردهای روان شناختی تبلیغ، چاپ دهم، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸.
۲۳. کریمی، عبدالوهاب، «پیش‌گیری از جرم از منظر قرآن»، معرفت ۱۴۸ (ویژه حقوق)، شماره اول، سال ۱۹، ۱۳۸۹.
۲۴. لیزینا، ام. آ.، الگوهای ارتباطی (کودک، بزرگسال، هم‌سالان) ترجمه: محمد جواد مدبرنیا، چاپ اول، تهران: دنیای نو، ۱۳۷۵.
۲۵. مارتین، مایکل، «تربیت اخلاقی و تربیت علمی»، ترجمه: علی کوچکی، راه تربیت (ویژه تربیت نظام‌مند و نظام‌نامه تربیتی)، ۱۳۸۶.
۲۶. محمدی، نرگس، «نقش دوستان منحرف در بزهکاری جوانان»، محمد حسن فقیهی، سطح ۲، جامعه الزهرا (ع.ا.ه)، قم، ۱۳۷۸/۷۹.
۲۷. مسکویه، احمد بن محمد، کیمیای سعادت (ترجمه طهارة الأعراق) ترجمه: میرزا ابوطالب زنجانی، تصحیح ابوالقاسم امامی، چاپ اول، تهران: نقطه، ۱۳۷۵.
۲۸. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی (در اسلام و جهان غرب)، چاپ بیست و هشتم، تهران: صدرا، ۱۳۸۹.
۲۹. _____، جامعه و تاریخ (مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی ۵)، چاپ بیست و سوم، تهران: صدرا، ۱۳۸۹.
۳۰. مطیعی طالقانی، سهیر، فرهنگ تربیت جوان (راهکارهای تربیت جوان موفق از دیدگاه اسلام، روانشناسی و جامعه‌شناسی)، چاپ اول، قم: روضه العباس، ۱۳۹۲.
۳۱. ملکی، علی، «درآمدی بر مبانی تربیت سیاسی»، راه تربیت (ویژه تربیت اجتماعی-سیاسی)، شماره ۱۲، سال ۵، ۱۳۸۹.
۳۲. موسوی، سمیه، «راهکارهای مؤثر در تربیت جنسی کودکان»، رمزی، سطح ۲، جامعه الزهرا (ع.ا.ه)، قم، ۱۳۸۷.
۳۳. ناصر، ابراهیم، بررسی تطبیقی تربیت دینی، ترجمه: علی حسین زاده، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ع.ا.ه)، ۱۳۸۰.
۳۴. نعمت‌اللهی، آزاده، «علل اجتماعی انحراف جوانان و پیشگیری و درمان آن»، محمد فاکر میبیدی، سطح ۲، جامعه الزهرا (ع.ا.ه)، قم، ۷۹.
۳۵. هاشمی محجوب، مصطفی، مثلث راجدی بگیرید!، چاپ دوم، مشهد: ملک اعظم، ۱۳۹۰.